



سهم مشارکت ما در ساختن جهان جدید کجاست؟

استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ضمن اشاره به تحولات گسترده‌ای که در دنیا در حال شکل‌گیری است تصریح کرد:

استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ضمن اشاره به تحولات گسترده‌ای که در دنیا در حال شکل‌گیری است تصریح کرد: انسان‌ها در چهل سال اخیر ادعا کردند ما جهان را می‌سازیم و جهان جدید ساختن سهم می‌خواهد؛ سهم مشارکت ما در ساختن جهان جدید کجا است؟

به گزارش ایکن، همایش «انقلاب اسلامی و تحول علوم اسلامی و انسانی» ظهر امروز ۹ اسفندماه با سخنرانی محمود حکمت‌نیا، استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در دانشگاه علوم اسلامی رضوی برگزار شد که گزیده آن را در ادامه می‌خوانید:

موضوع بحث من تحولات حقوق پس از انقلاب اسلامی است. تحول به این معنا که چطور در حال حرکت خودمان را اصلاح کنیم و متوقف نشویم خیلی فرق می‌کند با اینکه ایده‌ای را آماده کرده باشیم و بر اساس آن ایده حرکت را آغاز کنیم. ما یک ادعای بزرگی کردیم و عناصری را در حوزه حقوق دخالت دادیم که همه در تجربه دویست ساله بشر تلاش کردند این عناصر را حذف کنند و مبتنی بر این حذف یک حقوقی شکل گرفت. عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی در یک چیز مشترک هستند و آن اینکه ما بر اساس خرد خودبنیاد می‌خواهیم دانش حقوق را بسازیم ولی ما می‌خواهیم این عنصری که آنها را حذف کردند دوباره احیا کنیم. این کار خیلی دشوار است. شما می‌خواهید عنصری که دانش بر اساس حذف آن شکل گرفته است را به کار بگیرید و به آن مداخلت بدهید. فرق تمدن ما و تمدن غرب در همین است. جایی که ما بحث را ختم کردیم، آنها آغاز کردند. تمام بحث بشریت در حوزه حقوق این است که عقل چه می‌فهمد، روش فهمش کدام است، ما در اصول فقه اینها را بحث نکردیم چون برایمان مسئله نبوده است. سیره عقلا هم همینطور است. ما گفتیم سیره عقلا حجیت دارد ولی کجا شکل می‌گیرد و فرایند شکل‌گیری آن کدام است؟

دنیایی شکل می‌گیرد که ما بخشی از آن هستیم، نه محور آن

قسمت دوم ماجرا این است همزمان که این ادعاهای بزرگ را کردیم دنیا هم تحولاتی داشت. در این دویست سال اخیر، خصوصا پنجاه سال اخیر چه اتفاقی دارد می‌افتد و ما کجای تاریخ ایستادیم؟ من چند تحول جزئی را می‌گویم. ما در طول تاریخ بر اساس شناخت درست از طبیعت استفاده می‌کردیم ولی آیا می‌توانستیم طبیعت را تغییر دهیم؟ می‌توانستیم زندگی انسانی را باطراحی کنیم و بسازیم؟ امروز دانش‌های مبتنی بر تغییر بسیار عجیب شده است و فیزیک را برای تغییر جهان استفاده می‌کنند. یک روز ما می‌گفتیم می‌فهمیم ولی امروز بشر با هوش مصنوعی فهم اختراع می‌کند. این هوش مصنوعی یک شخصیت در سایه دارد و آن اینکه می‌خواهد بشر را نابود کند ولی همین هوش مصنوعی متکی به اخلاق است و به خاطر رعایت اخلاق این کار را نمی‌کند. دنیایی در حال شکل‌گرفتن است که ما بخشی از آن هستیم، نه محور آن. کتاب‌هایی که امروز هوش مصنوعی خلق می‌کند را مردم می‌خرند و می‌خوانند و نویسندگان دارند بیکار می‌شوند. این آخرین تحولاتی است که دارد اتفاق می‌افتد.

شما در فقه سوال می‌کنید مکلف کیست؟ وجه تکلیف چیست؟ هوش مصنوعی تکلیف دارد یا ندارد؟ شخصیت حقوقی بماهو شخصیت حقوقی تکلیف دارد؟ دولت بماهو دولت مکلف است؟ یکی از بحث‌های مهم همین است. ما با چه معیاری می‌گوییم که چه کسی مکلف است؟ یک زمان این بحث موضوعیت نداشت ولی الآن موضوعیت دارد. پس دانش بشر توسعه پیدا کرده است. این توسعه دانش مسئله مالکیت را کلا به هم ریخته است. ما در زمانی پا به عرصه وجود گذاشتیم که دوره حقوق بین‌الملل تمام شده و دوره جهانی سازی شروع شده است. دوره جهانی شدن دارد یک شبکه ایجاد می‌کند. به عنوان مثال همین سازمان تجارت جهانی با خیلی از قواعد حقوقی هماهنگ نبود. ما در این دوره حقوقی داریم زندگی می‌کنیم.

پس تحولات چهل ساله اخیر مبتنی بر چند تغییر عمده بود؛ اول اینکه انسان‌ها ادعا کردند ما جهان را می‌سازیم. جهان جدید ساختن سهم می‌خواهد. سهم مشارکت ما در ساختن جهان جدید کجا است؟ جهان جدید کلش متغیر است، ثابت نیست، به شدت دارد تغییر می‌کند. همین فضای مجازی مسائل جدیدی را ایجاد کرده مثل حق گمنامی. قبلا ما چیزی به نام گمنامی نداشتیم و نهایتا پوشیدگی داشتیم ولی در فضای مجازی گمنامی وجود دارد. من می‌توانم برای خودم شخصیتی درست کنم که هیچ وقت افشا نشود؟ آیا ما انسان‌ها چنین حقی داریم؟ آیا حق گمنامی مطابق علم است؟ آیا شخصیت من پدیدآورنده جزء محتوا است؟ پس دارد مسائل جدید برای ما به وجود می‌آید آنقدر هم سرعت دارد که شما به گرد آن نمی‌رسی بعد دانشجو به من می‌گوید استاد، در حقوق خصوصی موضوعی مانده است که روی آن کار کنیم؟ من به این دانشجو گفتم اصلا تو به من نشان

بده که کجا تحقیق کردیم!
فرق وجود عدالت و احساس عدالت

در چنین فضایی ما چکار کردیم؟ ما یک وجود عدالت داریم، یک احساس عدالت، ما علاوه بر این دو یک عدالت مقایسه ای داریم. کل آمارهای بین المللی مقایسه ای است. پس شما در یک فضای مقایسه ای ورود پیدا می کنید که به احساس و نقش شما نقش می دهد. مثلا ما از احترام به اموال حرف می زنیم ولی در قیاس با سایر کشورها در چه رتبه ای هستیم؟ شاخص ادراک فساد در ایران ۱۴۸ است یعنی ادراک عمومی ما این است که همه ما فاسد هستیم. اینها عدالت مقایسه ای است. پس ما یک واقعیت داریم که خودمان می سازیم، یک احساسات داریم که عوامل بیرونی در ما ایجاد می کنند.

آیا ما در این چهل سال اخیر در حوزه واقعیت تحولی داشتیم؟ بله، اولین موردش این است که ما ادعا کردیم دستگاه حل مسئله مجزا داریم. همین ادعا خیلی مهم است ولی باید ذره ذره پیش برویم. در عین حال حرف هایی که زدیم کم نیست و ما بخشی از ادعاهایمان را داریم پیش می بریم مثلا در حوزه مباحث فلسفی راهی را آغاز کردیم. خود همین یک تحول است. همین که فهمیدیم گیر داریم تحول است. همین فقه های مضاف تحول است. این در تمدن ما اتفاق افتاده است چون مشکل ما مشکل تمدنی است، فکر می کنیم مشکل ایران است. آیا تمدن اسلامی حرکتی را آغاز کرده است؟ کارهایی انجام شده ولی کافی نیست نمونه آن رشته حقوق است که در آن فلسفه خوانده نمی شود. من هیچ کشوری ندیدم حقوقش را منهای تمدنش آغاز کند مثلا اروپایی ها حقوق را از روم آغاز می کنند، ما هم از روم آغاز می کنیم در حالی که روم برای ما نیست ولی مشکل اینجا است که ما تاریخ فکر خودمان را نمی دانیم.